

چشمان تو

جهان طرح عظیمی از حباب است
حباب از اصل بنیادش بر آب است
سکونی نیست در ارکان عالم
سر هستی به دست پیچ و تاب است
تو تنها اتفاق بی‌مثالی
که چشمت خالی از هر اضطراب است
به جز چشمان تو هر جا که دریاست
به نزدیکش که می‌آیی سراب است
پناهم ده در استانبول چشمت
که دریایی پر از شعر و شراب است
وجودم در سحرگاه نگاهت
حضور شب‌نمی در آفتاب است
بخواه از شعله جانم را بنوشد
تو هر چیزی که خواهی مستجاب است